عاملان شهادت مأمور پلیس بازداشت شدند

جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از دستگیری چهار نفر از عاملان شهادت محمدعلی پیوسته خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار علیرضا دلیری روز گذشته در حاشیه تشییع پیکر شهید محمدعلی پیوسته گفت: شهید پیوسته از مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان زهک بود که با سوداگران مرگ درگیر شدند که در جریان آن استوار «محمدعلی پیوسته» به شهادت رسید.
جانشین فرمانده انتظامی استان افزود: در ادامه این درگیری، اشرار مسلح تحت تعقیب پلیس قرار گرفته‌اند و در منطقه پیرامونی طرح امنیتی انتظامی اجرا شد که به دنبال آن با تعقیبی که انجام شد، هر چهار نفر از عاملان تیرانداز دستگیر شدند.

امید ۴ بیمار به ادامه زندگی

اهدای اعضای بدن بیمار مرگ مغزی ۱۸ساله در گیلان به چهار بیمار زندگی بخشید.

دکتر سیامک ریماز، مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای دانشگاه علوم پزشکی گیلان گفت: سیدابوالفضل میرخوشخو، نوجوان ۱۸ ساله اهل شهرستان لنگرود بود که در جریان سانحه رانندگی به مرگ مغزی مبتلا شد. بعد از آن بود که با اعلام رضایت خانواده‌اش چهار عضو بدن وی به بیماران نیازمند اهدا شد.

فرار راننده کامیون پس از مرگ خواهر و برادر دانش‌آموز

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی شهرستان قشم از مرگ دلخراش دو دانش‌آموز در تصادف کامیون با یک دستگاه موتور در شهر طبل جزیره قشم خبر داد و گفت که راننده پس از حادثه متواری شده‌است.

سرهنگ مهدی رسول‌زاده گفت: ساعت ۱۲:۲۰ ظهر دوشنبه، در مسیر شهر طبل به سمت سلخ و مقابل یکی از فروشگاه‌های محلی، یک دستگاه کامیون ۱۰ چرخ با یک موتورسیکلت برخورد کرد که منجر به فوت راکب و ترک‌نشین آن شد که دانش‌آموز بودند. وی افزود: دو دانش‌آموز جان‌باخته، خواهر و برادر به نام‌های محمدحافظ و مهرابه رادمنش بودند که به‌ترتیب در پایه‌های اول و سوم ابتدایی مدارس حضرت ابراهیم(ع)۲ و هاجر(س)۱ شهر طبل تحصیل می‌کردند. این حادثه هنگام بازگشت آنان از مدرسه به منزل رخ داد. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی شهرستان قشم ادامه داد: راننده کامیون پس از برخورد، لحظاتی در محل توقف کرده اما به‌دلیل ترس از صحنه دلخراش حادثه، از محل متواری شده‌است. سرهنگ رسول‌زاده اظهار کرد: علت دقیق حادثه در دست بررسی کارشناسان پلیس راهنمایی و رانندگی است و تلاش برای شناسایی و دستگیری راننده متواری ادامه دارد. وی در پایان با ابراز تأسف از وقوع این سانحه تلخ، از رانندگان خواست هنگام عبور از مناطق مسکونی و مسیرهای منتهی به مدارس، با احتیاط کامل و سرعت مطمئنه حرکت کنند تا شاهد تکرار چنین حوادث غم‌انگیزی نباشیم.

هیجان سرعت جان ۲ جوان را در بزرگراه حکیم گرفت

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ از وقوع سانحه‌ای دلخراش در بزرگراه شهید حکیم و جان‌باختن دو جوان در اثر برخورد شدید یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۷ با تیر چراغ برق خبر داد.

سرهنگ رابعه جوانبخت در تشریح جزئیات این حادثه به «جوان» گفت: ساعت ۲۳:۲۵ روز دوشنبه ۵ آبان‌ماه، در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید حکیم، بعد از بزرگراه یادگار امام(ره)، یک دستگاه خودروی سواری پژو ۲۰۷ به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از تخطی از سرعت مطمئنه، از مسیر اصلی منحرف شد و با تیر چراغ برق وسط بزرگراه به شدت برخورد کرد. وی افزود: در جریان این برخورد، خودرو به طور کامل متلاشی و دو سرنشین آن که هر دو حدود ۲۰ سال سن داشتند، به علت شدت ضربه و جراحات وارده، در محل حادثه جان خود را از دست دادند. رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به بررسی‌های کارشناسان صحنه تصادف گفت: سرعت غیرمجاز و بی‌احتیاطی راننده، علت اصلی وقوع این سانحه مرگبار بوده‌است.
سرهنگ جوانبخت تأکید کرد: متأسفانه در روزهای اخیر شاهد افزایش تصادفات رانندگی در میان رانندگان جوان هستیم. خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر رفتار رانندگی فرزندان خود داشته باشند و با آموزش، گفت‌وگو و پیگیری وضعیت گواهینامه و خودرو، از بروز چنین حوادث تلخی جلوگیری کنند. وی خاطر نشان کرد: جوانان گاهی در هیجان رانندگی، خطر را دست کم می‌گیرند. از رانندگان، به‌ویژه قشر جوان، درخواست می‌شود با رعایت سرعت مجاز و تمرکز کامل هنگام رانندگی، از به خطر انداختن جان خود و دیگران پرهیز کنند.

پایان باند گانگسترها

■ **جلال مهرگان**

پایتخت سال گذشته به تدریج در قبضه یک باند نقاب‌دار قرار گرفت؛ گروهی پنج‌نفره معروف به گانگسترها که با اسلحه و قمه به خانه‌ها حمله می‌کردند، یکی از اعضای خانواده را گروگان می‌گرفتند و اموالشان را به تاراج می‌بردند. سه عضو اصلی باند مردادماه بازداشت شدند و به اتهام ۱۹ فقره سرقت مسلحانه محارب شناخته و مهرماه اعدام شدند، اما دو عضو متواری پس از تشکیل هسته‌ای جدید، راهی بندرعباس شدند و دوباره عملیات سریالی‌شان را از سر گرفتند تا اینکه در یک کمین مشترک پلیس تهران و بندرعباس در مسیر ورود به شهر دستگیر شدند.

اردیبهشت‌ماه سال گذشته، پایتخت صحنه هجوم سریالی مردان نقاب‌دار شد؛ افرادی که با اسلحه و قمه وارد خانه‌های مسکونی می‌شدند و با گروگان گرفتن یکی از اعضای خانواده، نقشه سرقت‌های خود را اجرا می‌کردند. این باند پنج نفره، مناطق غرب و شرق تهران را هدف قرار داده بود و با ایجاد رعب و وحشت میان مردم، توجه عمومی را به خود جلب کرده بود.
اما با نزدیک شدن پلیس به ردپاهایشان، اعضای باند راهی مشهد و استان البرز شدند و سرقت‌های خود را در آن مناطق ادامه دادند. تلاش‌های کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران نتیجه داد و مرداد همان سال، سه نفر از پنج عضو اصلی این باند دستگیر شدند. متهمان در بازجویی‌ها به ۱۹ فقره سرقت مسلحانه اعتراف کردند و با توجه به تهدید امنیت روانی شهروندان، به اتهام محاربه شناخته شدند و سه متهم اصلی، ۲۳ مهرماه در زندان قزلحصار به دار مجازات آویخته شدند.

■ **فعالیت دوباره بازماندگان**

با این حال، مرگ سه عضو اصلی، پرونده را مختومه نکرد، زیرا دو نفر دیگر از اعضای باند، پس از دستگیری همدستان خود گمان کردند پلیس تعقیب آنها را رها کرده و باند سه نفره جدیدی تشکیل دادند. این گروه شامل دو متهم سابق و نامزد یکی از آنها بود.
کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران همچنان در تعقیب آنها بودند و پس از رصد اطلاعاتی دریافتند دو مرد جوان با صورت‌های نقاب‌دار به خانه‌های بندرعباس دستبرد زده‌اند. تصاویر ثبت شده توسط مأموران با بررسی جثه و وضعیت ظاهری، هویت این دو متهم متواری را تأیید کرد. با همکاری پلیس بندرعباس و ایجاد ایست بازرسی در ورودی شهر، متهمان هنگام ورود به بندرعباس دستگیر شدند. تحقیقات اولیه نشان داد آنها عضو باند گانگسترها بودند و بار دیگر اقدام به سرقت سریالی خانه‌ها در بندرعباس کرده‌اند.

گفت‌وگو با متهم

شما بازماندگان باند گانگسترها هستید. بعد از دستگیری همدستانتان به کجا فرار کردید؟
خبر دستگیری همدستانمان خیلی سریع منتشر شد. برای همین، حدود هفت ماه در کوهستان اطراف محل زندگی‌مان مخفی شدیم تا از دست پلیس در امان باشیم. بعد از مدتی گمان کردیم که تعقیب پلیس کمتر شده و تصمیم گرفتیم دوباره فعالیت کنیم. اولین بار فروردین امسال بود که به بندرعباس رفتیم و سرقت‌هایمان را برنامه‌ریزی و اجرا کردیم. چند روز بعد هم به شهرستان محل سکونتمان بازگشتیم.

دوباره شروع به سرقت کردید؟
نه، دو ماهی دست نگه داشتیم، اما خردادماه دوباره راهی بندرعباس شدیم و این‌بار هم همان سناریوی قبلی را اجرا کردیم. چند روزی آنجا ماندیم و سپس شهر را ترک کردیم. بار سوم، اما اواخر مهرماه، سوار خودرو و عازم بندرعباس شدیم تا دوباره سرقت کنیم که در یکی از ایست‌های بازرسی به ما مشکوک شدند و گرفتار شدیم.

با وجود اینکه همدستانتان خیلی زود بازداشت و اعدام شدند باز هم سرقت می‌کردید؟ چرا عبرت نگرفتید؟
(سکوت می‌کند)

چگونه به دام افتادید؟
ردپای ما پیدا شده بود، اما ما خبر نداشتیم. پلیس تهران با همکاری مأموران بندرعباس توانسته بودند هویت ما را شناسایی کند. نمی‌دانستیم چگونه، اما آنها مطلع شده بودند که قصد داریم بار دیگر در بندرعباس سرقت کنیم و برای همین در ایست بازرسی کمین زده بودند. ما از این موضوع کاملاً بی‌خبر بودیم. وقتی پلیس به ما دستور ایست داد، فرار کردیم، اما پس از یک تعقیب و گریز نفس‌گیر دستگیر شدیم.

پلیس گزارش داده ابتدا همه چیز را انکار کردید.
بله، ما اصلاً فکرش را هم نمی‌کردیم که پلیس تهران پشت دستگیری ما نقش داشته باشد. اول منکر تمام سرقت‌ها شدیم، اما آنقدر مدارک و شواهد مقابل‌مان قرار دادند که چاره‌ای جز اعتراف به سرقت‌های بندرعباس نداشتیم. همزمان با خانواده‌هایمان هماهنگ کردیم تا برایمان اسنادی تهیه کنند، چون سابقه کیفری نداشتیم و تنها جرمی که پذیرفته بودیم، سرقت از خانه بود. ما فکر کردیم خیلی زود با این مدارک آزاد خواهیم شد، اما غافل از این بودیم که پس از اعتراف به سرقت‌های بندرعباس، ما را مستقیماً به اداره یکم پلیس آگاهی پایتخت منتقل می‌کنند.

به همان شیوه قبل سرقت می‌کردید؟
بله، «همیشه ماسک می‌زدیم تا کسی نتواند چهره‌مان را شناسایی کند. شب‌ها در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و خانه‌هایی را که لوکس و اعیانی به نظر می‌رسیدند برای سرقت انتخاب می‌کردیم. برای ما فرقی نمی‌کرد خانه خالی باشد یا صاحبخانه در آن حضور داشته باشد، تنها چیزی که تغییر می‌کرد روش سرقت بود.
اگر چراغ‌ها خاموش بود و کسی در خانه نبود، با دیلم و انبر در ورودی را باز می‌کردیم و وارد می‌شدیم، اما اگر کسی در خانه بود، اول زنگ می‌زدیم و به بهانه‌ای صاحبخانه را به جلوی در می‌کشاندیم، بعد با تهدید چاقو وارد خانه می‌شدیم و سرقت را انجام می‌دادیم. این روش را بارها تکرار کرده بودیم. وقتی به عقب نگاه می‌کنم، می‌بینم که ترس و هیجان هر شب ما را دنبال می‌کرد، اما در همان لحظات، چیزی جز تمرکز روی کار و حفظ هویت‌مان اهمیت نداشت.»

چند اسلحه داشتید؟
ما اسلحه نداشتیم. فقط با تهدید چاقو و قمه سرقت می‌کردیم.

درباره شکل‌گیری اولیه باند بگو. چطور باند گانگسترها تشکیل شد؟
ما همه با هم آشنا و اهل یک محل بودیم. سردسته‌مان یکی از همان افرادی بود که اعدام شدم. ما فامیل دور بودیم.

با این حال دوباره شروع به سرقت کردید. به چند خانه در بندرعباس دستبرد زدید؟
فکر می‌کنم ۱۸ سرقت موفق داشتیم.

زنی که همراهتان بود چه نقشی در سرقت داشت؟
او نامزدم است. او را با خودمان همراه کرده بودیم که توجه کسی جلب نشود.

با این حال توجه پلیس به شما جلب شد.
بله، ما فکرش را هم نمی‌کردیم که از پلیس رودست بخوریم.

عذاب‌وجدان متهم را به دادسرا کشاند

■ **آرمین بینا**

مردی که در جریان یک نزاع خونین در محله یافت‌آباد حضور داشت، روز گذشته به دادسرا آمد و با اعتراف از سر عذاب‌وجدان گفت که تنها یک ضربه به سر مقتول زده و دو همراه فراری‌اش ضربات بعدی را وارد کرده‌اند.

پنج‌شنبه گذشته، بازپرس جنایی تهران قاضی صنعتگر از وقوع قتلی در محله یافت‌آباد مطلع شد؛ مردی جوان با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. بازپرس و تیم جنایی بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند و تحقیقات اولیه نشان داد این قتل در جریان یک نزاع رخ داده است. کارآگاهان در اولین اقدام موفق شدند یکی از مهاجمان را بازداشت کنند. متهم در بازجویی اولیه گفت: «من اصلاً درگیر دعوا نبودم و نمی‌دانم چه کسی کشته شد.» اما شواهد و مدارک موجود نشان می‌داد که او نقش پررنگی در ماجرا داشته است.
در حالی که بررسی‌ها جریان داشت، روز گذشته مردی دیگر به دادسرای جنایی مراجعه و حقیقت حادثه را افشا کرد: «من در جریان درگیری حضور داشتم، اما تنها یک ضربه به سر مقتول زدم. دو دوست فراری‌ام بعد از آن ضربات دیگری را وارد کردند.» او در توضیح انگیزه حادثه افزود: «نامزد من در این محله زندگی می‌کرد. زوج سالخورده، همسایه او پشت سر ما حرف درآوردند و ما را به اشتباه متهم به خلافکاری کردند. روز حادثه با این زوج جروبحثم شد که چرا پشت سرمان بدگویی می‌کنند. دعوا به خیابان کشیده شد و مرد جوانی که از اهالی محل بود وارد ماجرا شد و به خشونت دامن زد. دو نفر از دوستانم هم برای حمایت از من وارد صحنه شدند.» متهم با پشیمانی ادامه داد: «من یک ضربه به سر مقتول زدم، اما بعد فرار کردیم و چند روز بعد فهمیدیم او در بیمارستان جان سپرده است. من از عذاب‌وجدان نتوانستم سکوت کنم و خودم را تسلیم پلیس کردم، اما دوستانم هنوز متواری هستند.»
تحقیقات برای بازداشت متهمان فراری جریان دارد.

کشف ۱۴۵ تن کالای اساسی احتکارشده از یک انبار

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از کشف بیش از ۱۴۵ تن برنج و چای در یکی از انبارهای جنوب تهران خبر داد.

سردار حسین رحیمی با اشاره به اینکه مقابله با جرائم اقتصادی و احتکار کالاهای اساسی از اولویت‌های پلیس امنیت اقتصادی فراجاست، به «جوان» گفت: در اجرای طرح‌های نظارتی این پلیس، کارآگاهان موفق شدند در بازدید از یک انبار در جنوب تهران، مقدار ۱۴۵ تن برنج و حدود نیم تن چای احتکارشده را کشف کنند. وی افزود: در روند این عملیات، نمایندگان وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان تعزیرات حکومتی و جهاد کشاورزی نیز حضور داشتند و پس از بررسی‌های میدانی، متهم اصلی شناسایی و دستگیر شد.
رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا خاطر نشان کرد: فرد متهم پس از تشکیل پرونده و ارجاع به مراجع ذی‌صلاح، به پرداخت ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.
سردار رحیمی با تأکید بر اینکه احتکار کالاهای اساسی اقدامی غیراخلاقی و غیرقانونی است که موجب اخلال در بازار و فشار بر مردم می‌شود، گفت: برخی سودجویان برای دستیابی به منافع نامشروع و ضربه به ثبات اقتصادی کشور، اقدام به انبار غیرقانونی کالاهای حیاتی مردم می‌کنند که پلیس به‌صورت قاطع با آنان برخورد خواهد کرد.

درخواست قصاص چشم برای عموی خشمگین

■ **جلال ستوده**

پسر نوجوانی که عزادار پدرش بود در درگیری با عمویش بینایی خود را از دست داد و درخواست قصاص کرد.

پاییز سال گذشته، مأموران پلیس ملارد به خانه‌ای در محله‌ای آرام فراخوانده شدند، خبر از زخمی شدن نوجوانی ۱۷ ساله با ضربه‌ای به چشمش بود. مأموران وقتی وارد خانه شدند، فضای سنگین اندوه و تنش در آنجا مشهود بود. پسر مصدوم به بیمارستان منتقل شده بود، اما یکی از چشمانش دیگر هیچ‌گاه روشنایی روز را نمی‌دید. او در جریان تحقیقات به پلیس گفت به‌خاطر ضربه‌ای که عمویش با چاقو به چشمش زده، کور شده است. با کامل شدن بررسی‌ها، عموی خطاکار مجرم شناخته شد و کیفرخواست در این باره صادر و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

■ **درخواست قصاص**

در جلسه دادگاه، پسر نوجوان با لحنی سرد و بغض‌آلود ماجرای آن روز را بازگو کرد: «پدرم مدت‌ها بیمار و زمین‌گیر بود. آن روز هم از دنیا رفت. ما با عمویم و دیگر اعضای خانواده تماس گرفتیم تا خبر فوتش را بدهیم. وقتی عمویم آمد، سرزنش و کنایه‌ای بود که بار ما شد. عمویم گفت ما برادرش را کشته‌ایم و به اندازه کافی از او مراقبت نکرده‌ایم. من که از قبل دلخور بودم، نتوانستم عصبانیتم را کنترل کنم. عمویم نیز ناگهان با یک شئی نوک‌تیز به سمت من حمله کرد و چشمم زخمی شد.»
او ادامه داد: «پزشکان تمام تلاششان را کردند، اما دیگر کاری از دستشان برنمی‌آمد و چشمم را تخلیه کردند. حالا من پای میز دادگاه ایستاده‌ام و درخواست قصاص دارم.»

■ **انکار جرم**

اما عموی پسر که مردی میانسال بود با آرامش کامل همه اتهامات را رد کرد: «من ناراحت و غمگین بودم. حرف زدم، اما هرگز به برادرزاده‌ام دست نزدم. بعد از دعوا دیگر به آنجا نرفتم و نمی‌دانم چه کسی باعث این حادثه شده است. شاید کسی دیگر درگیر شده یا اتفاقی رخ داده که من اطلاعی ندارم.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۱۰۰۷۶۶۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سبزوار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حیدر ایزی به شناسنامه شماره ۴۳ شماره ملی ۰۷۹۳۸۴۰۹۰۲ صادره سبزوار فرزند عباسعلی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۵،۰۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۹۵۶ فرعی از ۱۶۲ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار مع الواسطه از محل مالکیت مالک رسمی سید جعفر موسوی یزد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۳۹۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷
علی آب باریکی – رئیس ثبت اسناد و املاک

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
۸۸۵۴۵۴۸۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده اند.

۱. رای شماره ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۵۳۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۱۵۸۸۰ خانم زهرا انصاری شاکر به شناسنامه شماره ۵۶۰۹ کدملی ۰۰۵۴۲۰۰۴۲۳ صادره تهران فرزند تقی در ۴/۴ دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ششدانگ ۱۵۳/۶۰ مترمربع پلاک شماره ۱۱۰۳۸/۲۷ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم (۱- مبایعه نامه عادی مرحوم جعفر انصاری از صندوق ذخیره علوی سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۶۸ صفحه ۴۶۳ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۵۶۷۷۵ مورخ ۱۳۶۵/۰۹/۲۹ دفتر خانه ۶ قم و مبایعه نامه عادی از وراث مرحوم جعفر انصاری به نام های نرگس و فاطمه و مریم شهرت همگی انصاری موجب حصر وراثت شماره ۱۴۰۰۰۲۳۹۰۰۰۰۵۳۵۸۸۸ شعبه ۴۰ شورای حل اختلاف قم بانضمام سهم الارث خود از بهای ثمنیه از عرصه و اعیان ۳- اقرار نامه شماره ۱۳۱۳۴۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۷ دفتر خانه ۲ قم از وراث مرحومین رضا انصاری و قدسی ثابتی که خود از وراث مرحوم جعفر انصاری بوده اند به نام های محمد جواد و محمد صادق و طاهره شهرت همگی انصاری به موجب حصر وراثت شماره های ۱۴۰۳۰۲۳۹۰۰۰۱۵۰۴۱۸۱ و ۱۴۰۳۰۲۳۹۰۰۰۱۴۵۶۹۸۵ شعبه ۴۰ شورای حل اختلاف قم)

۲. رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۱۵۸۸۳ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۴۳۵ آقای محمدمهدی انصاری با قیمومیت مادرش خانم زهرا انصاری شاکر به شناسنامه شماره ۰۳۷۴۰۴۲۲۴۱ کدملی ۰۳۷۴۰۴۲۲۴۱ صادره قم فرزند جعفر در ۱/۶ دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ششدانگ ۱۵۳/۶۰ مترمربع پلاک شماره ۱۱۰۳۸/۲۷ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی از صندوق ذخیره علوی سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۶۸ صفحه ۴۶۳ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۵۶۷۷۵ مورخ ۱۳۶۵/۰۹/۲۹ دفتر خانه ۶ قم سهم الارث از مرحوم جعفر انصاری به موجب حصر وراثت شماره ۱۴۰۰۰۲۳۹۰۰۰۰۵۳۵۸۸۸ شعبه ۴۰ شورای حل اختلاف قم باستثناء بهای ثمنیه از عرصه و اعیان و با قیمومیت مادرش خانم زهرا انصاری شاکر به موجب نامه شماره ۰/۳۰۰۸۰۸/س مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ دادیار سرپرستی دادسرای عمومی و انقلاب قم)

۳. رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۱۵۱۸۸ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۳۹۱ خانم زهرا رحیمی زادگان به شناسنامه شماره ۶۱۲۴ کدملی ۰۳۸۶۵۱۱۵۹۴ صادره قم فرزند علی اکبر در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۵/۶۸ مترمربع پلاک شماره ۱۰۴۷۳ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مرتضی دادبان اظهارنامه ثبتی شماره ۸۰۰۵ مورخ ۱۳۱۵/۰۸/۲۶ ثبت قم)

۴. رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۱۷۰۶۶ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۷۲۹ آقای علی حجابی به شناسنامه شماره ۳۴۰۷ کدملی ۰۳۸۶۴۸۴۴۲۲ صادره قم فرزند ابوالفضل در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۶/۱۸ مترمربع پلاک شماره ۸۷۵۶ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی مع الواسطه از سید جواد زکی الدهنی سند رسمی شماره ۲۹۱۷۵ مورخ ۱۳۷۶/۰۱/۲۵ دفتر خانه ۱۴ قم)

۵. رای شماره ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۱۶۱۹۵ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۰۱۲ آقای زین العابدین رئیس میرزائی به شناسنامه شماره ۲۴۲ کدملی ۰۳۸۳۵۴۵۹۲۷ صادره قم فرزند حسن در ششدانگ یک باب کوره آجرپزی به مساحت ۷۳۰۵/۵۰ مترمربع پلاک شماره ۱۱/۶۵۸ اصلی واقع در قم بخش چهار حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی از معصومه عبدالحسینی سند رسمی شماره ۲۳۷۷۴ مورخ ۱۳۳۳/۰۹/۰۱ دفتر خانه ۶۳ قم)

۶. رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۰۰۰۱۰۱۷۰۲۲ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۹۴۰ آقای حسین عباسیان مطلق به شناسنامه شماره ۷۵۷۰ کدملی ۰۳۸۲۰۰۵۷۵۹ صادره قم فرزند غلام در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۶۹/۵۰ مترمربع پلاک شماره ۱۰۴۷۳ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم (مبایعه نامه عادی مع الواسطه از مهدی بیگدلی به موجب اظهارنامه شماره ۹۴۰۷ مورخ ۱۳۱۹/۰۷/۰۴ ثبت قم)

مورد تایید قرار گرفته و از آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند، ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه یک قم تسلیم و رسید، آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

(شناسه آگهی ۲۰۳۴۶۱۷)
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم – مهدی زارع شحنه